

## افزایش جمعیت خوب، افزایش جمعیت بد

پیاده سازی سیاست های کنترل و کاهش جمعیت اگرچه به عنوان یکی از محورهای دائمی از سوی نهادهای بین المللی در کشورهای مختلف جهان و به ویژه کشورهای مسلمان در دستور کار بوده است.



پیاده سازی سیاست های کنترل و کاهش جمعیت اگرچه به عنوان یکی از محورهای دائمی از سوی نهادهای بین المللی در کشورهای مختلف جهان و به ویژه کشورهای مسلمان در دستور کار بوده است. اما نیم نگاهی به وضع سیاست گذاری های کلان فرهنگی در کشورهای غربی بیانگر آن است که بسیاری از این کشورها در حال حاضر، سیاستی خلاف آن چه تبلیغ کرده اند را انجام می دهند. رهبر انقلاب نیز سال گذشته به این موضوع اشاره کرده و فرموده بودند: «درحالی که امروز در [بعضی از] همین کشورهای غربی از کاهش باروری دارند زیان می بینند و پشیمانند، و در بعضی از کشورهای غربی مطلقاً کاهش باروری وجود ندارد؛ یعنی خانواده های پرجمعیت، مثلاً خانواده ی آمریکایی با ده دوازده بچه، چطور خانواده ی ایرانی [که] می خواهد از او تقلید کند باید حتماً یک بچه داشته باشد یا دو بچه! که این الان وجود دارد و گزارش ها و خبرها از این واقعیت به ما اطلاع می دهد.» در نوشتار زیر، ابعاد بیشتری از این موضوع مورد تبیین قرار گرفته است.

### در ادامه یادداشت دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

آمده است: برخلاف ماجرای قهرمانانه و ماجراجویانه ای که از کشف قاره ی آمریکا در کتاب های تاریخ کودکان دبستانی ایالات متحده ی آمریکا بیان می شود، رخداد مذکور زوایای پنهان بسیاری دارد. اینکه افراد تازه وارد به جزیره ی آمریکا در مواجهه با ساکنان سرخ پوست این جزیره چگونه برخورد کردند و اساساً انبوه جمعیت سرخ پوستان این قبایل چه شدند، از نقاط مبهم و تاریک آمریکا است. بنا بر گزارش هایی از تاریخ این کشور، در طول 14 سال، بیش از 3 میلیون نفر بر اثر جنگ، به بردگی فروخته شده و با کار در معادن طلا نابود شدند تا به این ترتیب، شرایط برای زندگی سفیدپوستان اروپایی در این مناطق مهیا شود؛ رویه ای که کم و بیش توسط حکمرانان بعدی این سرزمین نیز تکرار شد. 'لاس کاساس' از فاتحان اسپانیایی قاره ی آمریکا<sup>1</sup> در این باره می نویسد: «زن ها و شوهرها فقط هر هشت تا ده ماه یک بار همدیگر را می دیدند و در این گونه مواقع، هر دو طرف بسیار خسته و فرسوده و افسرده بودند... زادوولد آن ها تقریباً متوقف می شد. از سوی دیگر، نوزادان خیلی زود می مردند، چون مادرانشان که بیش از حد کار می کردند و همیشه گرسنه بودند، شیری برای تغذیه ی آن ها نداشتند... بدین ترتیب، مردان در معادن طلا جان می سپردند و زن ها از فشار کار می مردند و کودکان از نبودن شیر تلف می شدند...»

### \*تحولات فرهنگی و جمعیت آمریکا

دوران تازه ی پس از رنسانس و انقلاب صنعتی، به همراه همه ی مواهبی که برای دولت های طماع مغرب زمین داشت، فرهنگی جدید را به همراه می آورد که طی آن، مفاهیمی مثل مادری، خانواده و... دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته بود. در این دوران با استفاده از پوشش برابری حقوق زن و مرد، از زنان به عنوان نیروهای کار ارزان و مطیع استفاده می کردند و همچنین با پشت سر گذاشتن قیود مذهبی دوران قرون وسطا، به ترویج بی بندوباری و آزادی دور از تمدن و ترویج برهنگی زنان و تضعیف خانواده به نام آزادی زن پرداخته می شد؛ فرایندی که از پیامدهای دیگر آن، تضعیف بنای خانواده و ترویج روابط بی بندوبار زن و مرد و... را می توان نام برد. طبیعی است که در این دوران و به مرور ارزش مقولاتی مثل مادری و فرزندآوری بیش از پیش تضعیف شد. به این صورت که فمینیسم رادیکال به عنوان یکی از جنبش های فکری زاده ی این روند در قرن 19، پیشنهاد می دهد که تکنولوژی «تولید بچه های آزمایشگاهی» می تواند یک فرصت بی نظیر برای زنان فراهم کند تا از وابستگی بیولوژیک خود به مردان رها گردند و به افرادی مستقل و خودمختگی تبدیل شوند.<sup>2</sup>

با وجود بحران های اجتماعی شدیدی که در این کشور وجود دارد، از جمله بحران عاطفی شدید در خانواده ها که رتبه ی سوم طلاق در جهان را برای این کشور به همراه آورده است<sup>3</sup> و با توجه به رواج انحرافات مثل روابط آزاد جنسی زن و مرد، همجنس گرایی و... بسیار جالب توجه است که همچنان کشور آمریکا، به لطف نرخ مهاجرت و فرزندآوری بالا، از جمله پرجمعیت ترین کشورها است. در حال حاضر این کشور به عنوان سومین کشور پرجمعیت دنیا پس از چین و هند قرار دارد.<sup>4</sup> بر اساس برآورد اداره ی سرشماری ایالات متحده، جمعیت آمریکا در طول 39 سال، از 200 میلیون نفر به 300 میلیون نفر در سال 2006 افزایش یافته است. در سال 1915، ایالات متحده رسیدن جمعیتش به سطح 100 میلیون نفر و در سال 1967، رسیدن جمعیتش به 200 میلیون نفر را جشن گرفت. در حال حاضر اندازه ی متوسط یک خانواده ی آمریکایی 2.6 نفر است و طبق آخرین گزارش رسمی اداره ی سرشماری این کشور در اکتبر 2012، جمعیت این کشور بالغ بر 315 میلیون نفر شده است و بر اساس گزارش تغییرات خانواده و زندگی<sup>5</sup> مرکز سرشماری دولتی آمریکا در سال 2012، در این کشور بالغ بر دو میلیون و 400 هزار خانواده با تعداد چهار فرزند و بیشتر وجود دارند.

## \* برنامه های آمریکا برای جمعیت جهان

در طول تاریخ دولت های بشری، همواره ازدیاد نفوس ملاک برتری و قدرت دولت ها و ملت ها از یکدیگر بوده است. البته در کنار این مفهوم، تسلط بر نفوس دیگر اقوام و ملت ها نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ موضوعی که شاید دلیل بسیاری از جنگ های تجاوزکارانه در تاریخ بوده است. البته مسلم است که شیوه های کشتار مرسوم در آغاز ورود نسل اول آمریکایی ها به این کشور، در دوره های بعد و پس از تشکیل یک دولت بزرگ و قدرتمند، از سوی افکار عمومی دنیا قابل قبول نیست. پس این کشور برای گسترش نفوذ و کنترل بر مناطق دیگر جهان، باید نسبت به گذشته، به دنبال شیوه های نو و موجه تری باشد. به عبارت دیگر، یکی از استراتژی های نوین جنگ، کاهش و به عبارت دقیق تر، کنترل جمعیت دشمن است. ژاکلین کاسون (Jacqueline Kasun) در کتاب «جنگ علیه جمعیت» (The War Against Populations) نشان می دهد که کنترل جمعیت جهانی کاملاً منطبق بر پارامترهای دگرترین نظامی و یک جنگ تمام عیار است. 6

ر طی دهه ی هفتاد میلادی، رشته ی دانشگاهی «ارتباطات سلامت عمومی» در دانشگاه جان هاپکینز تأسیس شد. تحقیقات اولیه ی این رشته در یک قرارداد پژوهشی میان ارتش آمریکا و این دانشگاه، از سال 1948 آغاز شده بود. هدف این رشته، ارائه ی یک برنامه ی هماهنگ جهانی برای کاهش جمعیت کشورهای کمتر توسعه یافته است. این برنامه با پشتوانه ی آمریکا و با همکاری بسیاری از سازمان های بین المللی، با عناوینی زیبا و جذاب چون «تنظیم خانواده» در این کشورها ترویج و عملیاتی شده است. اولین هدف برنامه ی تنظیم خانواده، جمعیت های غیرسفیدپوست و جهان سومی ساکن در آمریکا و اولین قربانیان آن، سرخ پوست های بومی آمریکا بودند. در سال 1966 در تمام بیمارستان های مربوط به سرخ پوستان، برنامه ی عقیم سازی در دستور کار قرار گرفت و تا سال 1977 حدود یک چهارم زنان سرخ پوستی که به هر دلیل به بیمارستان در اوکلاهاما مراجعه کرده بودند، عقیم شدند. 7

## \* افزایش جمعیت خوب، افزایش جمعیت بد

قراین تاریخی نمایانگر آن است که ورود برنامه ی تنظیم خانواده توسط کارشناسان آمریکایی، در زمانی به کشورهای به اصطلاح جهان سوم یا مسلمان شروع شد که در همان ایام، بحث تنظیم خانواده و کنترل جمعیت در آمریکا و غرب تعطیل شده بود و نحوه ی فعالیت آنان برای آنکه در جوامع حساسیت ایجاد نشود، به طور مخفیانه و زیرزمینی شروع شده و هم زمان با ترویج برنامه های تنظیم خانواده، بحث اشتغال زنان و ایجاد مهدکودک ها و قانون بازنشستگی نیز دنبال می شده است. این دوگانگی در عمل به سیاست های جمعیتی به گونه ای رخ می داد که هم زمان با اوج کمک های صندوق جمعیت سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی به کشورهای آسیایی برای گسترش خدمات جلوگیری از بارداری، دولت آمریکا این سیاست ها را به طور کامل رد می کرد.

دکتر نفیس صدیق مدیرکل اجرایی صندوق ملل متحد در امور جمعیت، که در دهه ی 90 میلادی برای اجرای این طرح به یکی از کشورهای آسیایی آمده بود، در انتهای سفرش گفت: «من خوشحالم که مقامات مسئول ایران این برنامه را پذیرفته اند و برای پیشبرد آن می کوشند. در بسیاری از کشورهای دیگر، کار به این آسانی ها نیست. متأسفم که از کشوری (آمریکا) آمده ام که حتی رئیس جمهور آن (یعنی بوش) با برنامه ی بهداشت خانواده و تنظیم خانواده مخالف است.» 8

## \* جهان در مبارزه با بحران

«بیمارستان های استونی برای تولد شمار زیادی از نوزادان مهیا می شوند. بخش های جدید زایمان از فضای اختصاص یافته به سایر بخش ها پدید می آیند. بیمارستان های ما آماده اند. ما تخت کافی خواهیم داشت. افزایش ناگهانی زادوولد در استونی در پی افزایش شدید «حق اولاد» در اول ژانویه صورت می پذیرد که بر اساس آن دولت موظف است حقوق کامل مادران را به مدت 12 ماه بپردازد.» 'اوا ماریانین' پزشک 30 ساله ی استونیایی 9

بر اساس آن چه گفته شد، کشورهای مختلف جهان از جمله کشورهای بلوک غرب در 100 سال گذشته تاکنون دو دسته سیاست درباره ی جمعیت کشورشان داشته اند. دسته ی اول سیاست های انقباضی جمعیت که پس از رشد سریع جمعیت به واسطه ی رشد علم پزشکی و سطح عمومی بهداشت در کشورهای مختلف رخ داد. سیاست های مذکور به همراه سایر ویژگی ها و الزامات زندگی مدرن، زندگی بشر را به گونه ای رقم زد که خانواده به عنوان اصیل ترین میراث بشری انسان ها در طول تاریخ را به اضمحلال و سراسیمه نابودی کشاند. معضلات فرهنگی همچون رواج روحیات اشرافی گری و رفاه زدگی، تجرد طولانی مدت جوانان، ایجاد و رواج مراکز نگهداری سالمندان، گسترش دوستی های پیش از ازدواج و رواج ازدواج های بدون ضابطه، قبح زدایی و رواج بی سابقه ی نگاه ابزاری و جنسی به هویت زن، رواج تحصیلات نامرتبط و بی مورد برای دختران و

همچنین اشتغال زنان در کارهایی به دور از شأن و لطافت زنانه ی ذاتی آن ها و ... را می توان از معضلات زاده یا همراه با این نگاه بشر به جمعیت و فرزندآوری دانست.

اما این سیاست ها پس از چند دهه از سوی این دولت ها متوقف شدند و دسته ی دوم سیاست ها یعنی سیاست های تشویقی جمعیت در دستور کار قرار گرفت؛ به عنوان مثال در فرانسه سیاست های خانواده چند دهه قدمت دارند، از جمله پرداخت مزایای ویژه به والدین دارای سه فرزند و بیشتر و ارائه ی یارانه های گسترده مراقبت از فرزند. نکته ی قابل توجه در تجربه ی چند اجرای سیاست های تشویقی جمعیت در کشورهایی همچون فرانسه، ایتالیا، انگلیس و غیره عملاً چیزی جز تغییرات کوتاه مدت در میزان باروری را نشان نداده است؛ تا جایی که بر اساس تخمین گزارش حزب محافظه کار انگلیس، اتحادیه ی اروپا برای حفاظت از جمعیت جوانش تا سال 2050 به 700 میلیون مهاجر نیاز دارد، که هدف بسیار دور از ذهنی به نظر می رسد؛ به خصوص این که اکثر مهاجران هم همان عادات باروری سایر اروپاییان را پیروی می کنند. بنابراین باید علاج واقعی این بحران را در تغییر نگرش های عامه ی مردم به مفاهیمی همچون مادری و ارزش های فرزند و فرزندآوری دانست.

پی نوشت ها:

1. تاریخ آمریکا از 1492 تا 2001، هاوارد زین، مانی صالحی علامه.
2. اقتصاد سیاسی تطبیقی، باری کلارک، عباس حاتمی، ص 361.
3. آینده ی آمریکا، لورنس کاتلیکاف، اسکات برنز، عباس مظاهری، آرش پازوکی.
4. مرکز سرشماری رسمی ایالات متحده ی آمریکا.
5. America's families and living Arrangements: 2012.
6. مقاله ی علمی تنظیم خانواده؛ بزرگ ترین پروژه ی مهندسی اجتماعی در جهان، مسعود عالمی.
7. همان.
8. روزنامه ی «خراسان»، 21/6/1372
9. روزنامه ی «ایران»، 27/3/1383 به نقل از: فایننشال تایمز